

حق‌رایی

در نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا

دکتر ترکل حبیب‌زاده

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)

محمد سلیمانی سرچه

انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
تهران: بزرگراه شهید چمران،
پل مدیریت
تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵
E-mail: isu.press@yahoo.com
فروشگاه اینترنتی:
www.ketabesadiq.ir



حق رای در نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا ■ تألیف: دکتر توکل حبیبزاده و محمد سلیمانی درجه
ناشر: دانشگاه امام صادق (ع) ■ چاپ اول: ۱۳۹۵ ■ قیمت: ۷۵۰۰۰ ریال ■ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
چاپ و صحافی: هوشنگی ■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۴۵۶-۰

همه حقوق محفوظ و متعلق به ناشر است.

سرشناسه: حبیبزاده، توکل، ۱۳۸۵
عنوان و نام پدیدآور: حق رای در نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا
آمریکا / تألیف: دکتر توکل حبیبزاده و محمد سلیمانی درجه
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۱۴۸ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۴۵۶-۰
موضوع: حق رای — ایران
موضوع: حق رای — ایالات متحده
موضوع: حقوق تطبیقی
شناسه افزوده: سلیمانی درجه، محمد، ۱۳۶۷-
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)
رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ج ۷ ح ۲ / ج ۴۸۳۱
رده بندی دیویی: ۳۲۴ / ۶
شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۴۸۴۶۹

فهرست مطالب

۹	سخن نامبر
۱۱	مقدمه
۱۴	پی نوشت ها
۱۵	فصل ۱. چارچوب نظری
۱۶	۱-۱. تعریف حق
۱۶	۱-۱-۱. معنای لغوی حق
۱۷	۱-۱-۲. معنای اصطلاحی حق
۲۱	۲-۱. اقسام حق
۲۱	۱-۲-۱. انواع حق به لحاظ منشأ پیدایش
۲۱	۱-۲-۱-۱. حق قانونی
۲۳	۱-۲-۱-۲. حق اخلاقی
۲۴	۱-۲-۳. حق دینی یا شرعی
۲۵	۱-۲-۴. حق عرفی
۲۶	۲-۲. انواع حق به لحاظ مالکان آن
۲۷	۳-۱. تعریف رأی
۲۸	۴-۱. ارتباط حق و تکلیف با یکدیگر

- ۵-۱. بررسی مفاهیم مشابه یا مرتبط ۳۰
- ۱-۵-۱. مفاهیم مشابه یا مرتبط مفهوم «حق» ۳۰
- ۱-۱-۵-۱. تکلیف ۳۰
- ۲-۱-۵-۱. آزادی ۳۱
- ۳-۱-۵-۱. امتیاز ۳۲
- ۵-۱. مفاهیم مشابه یا مرتبط «رأی» ۳۲
- ۱-۱-۵-۱. بیعت ۳۲
- ۲-۲-۵-۱. عبادت ۳۴
- ۳-۲-۵-۱. عیسی ۳۵
- ۴-۲-۵-۱. ابتکار عدم ۳۷
- جمع‌بندی ۳۸
- پی‌نوشت‌ها ۳۹
- فصل ۲. ماهیت رأی در نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا ۴۳
- ۱-۲. منشأ و خاستگاه رأی ۴۴
- ۱-۱-۲. پیشینه مشروعیت حکومت در نظام‌های حقوقی ایران و آمریکا ۴۴
- ۱-۱-۲. پیشینه مشروعیت حکومت در نظام حقوقی آمریکا ۴۴
- ۲-۱-۲. پیشینه مشروعیت حکومت در نظام حقوقی ایران ۴۷
- ۲-۱-۲. منشأ و خاستگاه رأی در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا ۵۳
- ۱-۲-۱-۲. لیبرالیسم ۵۴
- ۲-۲-۱-۲. اومانیزم ۵۷
- ۳-۱-۲. منشأ و خاستگاه رأی در نظام حقوقی ایران ۶۱
- ۱-۳-۱-۲. ولایت الهی ۶۳
- ۲-۳-۱-۲. اقسام ولایت ۶۵
- ۲-۲. دیدگاه‌های مختلف در خصوص حق رأی ۶۶

۶۸.....	۱-۲-۲. نظریه حق رأی یا حاکمیت مردم (حق مداری)
۶۹.....	۲-۲-۲. نظریه کارویژه ای رأی یا حاکمیت ملی (تکلیف مداری)
۷۰.....	۳-۲-۲. ماهیت رأی در نظریه حاکمیت الهی (حق و تکلیف)
۷۲.....	۳-۲. مبانی حقوقی «رأی»
۷۲.....	۱-۳-۲. حق تعیین سرنوشت
۷۵.....	۲-۳. نظریه نمایندگی سیاسی
۷۶.....	۲. ۱. مبانی فقهی «رأی»
۷۶.....	۱-۴-۲. اصل
۷۸.....	۲-۴-۲. شمول
۷۹.....	۳-۴-۲. حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش
۸۰.....	۴-۴-۲. سازوکار عقلانیت انتخاب حاکمان از طریق رأی
۸۱.....	۵-۲. حق یا تکلیف بودن «رأی» در نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا
۸۱.....	۱-۵-۲. حق بودن «رأی» در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا
۸۳.....	۲-۵-۲. حق و تکلیف بودن «رأی» در نظام حقوقی ایران
۸۶.....	جمع بندی
۸۷.....	پی نوشت ها
۹۳.....	فصل ۳. آثار حق رأی در نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا
۹۳.....	۱-۳. مشروعیت حکومت
۹۴.....	۱-۱-۳. تعریف حاکمیت سیاسی
۹۵.....	۲-۱-۳. آرای مردم، مبنای مشروعیت حکومت در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا
۹۵.....	۳-۱-۳. اذن الهی، مبنای مشروعیت حکومت در نظام حقوقی ایران
۹۶.....	۲-۳. تشکیل، استمرار و استحکام حکومت
۹۷.....	۱-۲-۳. تشکیل، استمرار و استحکام نظام جمهوری اسلامی، یک تکلیف شرعی

- ۳-۲-۲. تشکیل، استمرار و استحکام نظام ایالات متحده آمریکا، یک حق قانونی ۱۰۰
- ۳-۳. حق نظارت و بازخواست ۱۰۱
- ۳-۳-۱. کنترل و مهار قدرت، مبنای نظارت انتخاباتی در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا ۱۰۳
- ۳-۳-۲. مبنای نظارت انتخاباتی در نظام حقوقی ایران ۱۰۷
- ۳-۴. اعمال حق تعیین سرنوشت ۱۰۹
- ۵-۱. خلیف و مسئولیت افراد در برابر اجتماع ۱۱۲
- جمع‌بندی ۱۱۵
- پی‌نوشت‌ها ۱۱۷
- منابع و مآخذ ۱۲۳
- نمایه ۱۳۹

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُودَ وَ سُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ

(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی‌ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است. این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنای یارنده را که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متاثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهره‌مندی از نتایج آن‌هاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» درواقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق علیه السلام درواقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات

نیگوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با توجه به شرایط، امکانات و نارمندن جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و ... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه ادامه می‌یابند - درک کاستی‌ها و اصلاح آن‌هاست تا از این طریق زمینه پرورش نسلی جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق علیه السلام را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت (ان شاء الله).

ولله الحمد

معاونت پژوهش - دانشگاه

مقدمه

نوع حکومت و شیوه زمامداری که بتواند ضمن تنظیم امور اجتماعی سعادت فرد و جامعه را تأمین نماید، مهم‌ترین دغدغه فیلسوفان سیاسی و اندیشمندان حقوق اساسی بوده است. تأثیر نای فکری آن‌ها در طول سده‌های متمادی به‌ویژه از قرن هجدهم تاکنون درباره شیوه‌های زمامداری و جلوگیری از فساد قدرت به اعلام حاکمیت مردم بر سرنوشت خود انجامیده که در پی آن نظام سیاسی مردم‌سالار در دنیا مرسوم گردید.

اما نقش مردم در استقرار و تداوم حکومت در جامع اسلامی سرنوشت دیگری داشته است. به‌جز دوره صدر اسلام، در دوران خلافت‌های به‌ظاهر اسلامی و نیز رژیم‌های پادشاهی مردم فرصت مشارکت در امرهای سیاسی و اجتماعی نیافتند. تلاش‌های مقطعی و موردی برخی دانشمندان و سیاستمداران مسلمان هم هیچ‌وقت شکل نهاده و ساختاری به خود نگرفت. ازجوداین، با گسترش اندیشه دستورگرایی و الگوی مردم‌سالاری در دنیای اسلام، نقش مردم در حاکمیت و تعیین سرنوشت خود برجسته شد.

یکی از عرصه‌های مهم مشارکت سیاسی مردم، مشارکت انتخاباتی است که به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم صورت می‌گیرد. با وجود این، مشارکت سیاسی در حکومت‌های دینی با حکومت‌های غیردینی تفاوت بنیادین دارد. در دیدگاه

اومانیستی حاکم در غرب رأی مردم به قانون اساسی و شرکت آن‌ها در انتخابات به مثابه امضای قرارداد اجتماعی و منشأ حاکمیت و معیار مشروعیت حکومت تلقی می‌شود؛ اما در دیدگاه اسلامی نقش مردم در طول اراده الهی معنا می‌یابد. انسان اصالتاً دارای حاکمیت نبوده بلکه خلیفه خدا در روی زمین است و بنابراین، رأی مردم تنها در مقبولیت و عملی شدن حاکمیت الهی تأثیر تعیین‌کننده دارد.

اما اینکه آیا مشارکت سیاسی حق شهروندان یا تکلیف آنان است، از دیرباز مورد توجه صاحب‌نظران بوده است. از قرن هجدهم متأثر از نوشته‌های افرادی مانند جان لاک و دیگران دو دیدگاه در مورد حق یا تکلیف بودن رأی ظهور کرد. برخی مانند روسو معتقد بودند که حاکمیت به تمام افراد مردم تعلق دارد و هر شهروندی با مشارکت در انتخابات سهم خود از آن را اعمال می‌کند؛ اما برخی دیگر از اندیش‌مندان مانند آبه سیز^۱ معتقد بودند که حاکمیت به کلیت ملت تعلق دارد و تکلیف شهروندان از اجزا و ارکان سازنده حاکمیت ملی محسوب می‌شوند. آثار دیدگاه اخیر با دیدگاه اول متفاوت است. هنگامی که اصالت با ملت باشد، رأی دادن در واقع امری با وظیفه اجتماعی محسوب می‌گردد. همان‌گونه که امروزه نیز در برخی کشورها مانند بلژیک، لوکزامبورگ، ترکیه، یونان، اتریش، آرژانتین و برزیل رأی دادن وظیفه شهروندی تلقی می‌شود.

از دیدگاه اسلامی نیز رأی دادن نوعی تکلیف عامی محسوب می‌شود؛ زیرا در این مکتب از حکومت به امانت تعبیر شده است (انصاری: ۷۲)^۲ و از آن هم به ولایت. در واقع مردم امر شده‌اند که از رسول خدا «اولی الامر اطاعت کنند» («أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ») (نساء: ۵۹). در چنین مکتبی رأی دادن یک تکلیف الهی است که به موجب آن مردم در سیرت و ولایت به دست اهل آن تعهد دارند.

بدین ترتیب، در نظام حقوقی ایران و آمریکا حق «رأی» دارای وضعیتی متفاوت است. در نظام حقوقی ایران که بر مبنای فقه امامیه ترسیم شده است، حق رأی از یک جهان‌بینی الهی سرچشمه می‌گیرد و با تعیین سرنوشت اشخاص در جامعه، مسئولیت افراد در قبال همدیگر و نیز اقتدار و استواری

حاکمیت پیوند خورده است. در حالی که در نظام حقوقی آمریکا این حق از جهان‌بینی مادی سرچشمه گرفته و صرفاً حقی انسانی قلمداد می‌شود که افراد توانایی اعمال آزادانه یا عدم اعمال این حق را دارا می‌باشند. با عنایت به همین تفاوت مبانی دو نظام حقوقی درباره «رأی»، آثار متفاوتی نیز بر آن مترتب است. همین تفاوت اهمیت مطالعه و پژوهش در موضوع «حق رأی» و جایگاه آن در نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا و نسبت این حق با سایر حقوق و تکالیف شهروندان را نمایان می‌کند. چنانچه «حق رأی» منشأ مشروعیت بخشی نظام حقوقی باشد، حاکم نماینده مردم تلقی شده و باید خواسته‌های بیشتر جامعه را محقق کند؛ اما چنانچه منشأ مشروعیت نظام حقوقی اذن و اراده الهی باشد و حاکم نماینده خدا و مسئول اجرای احکام و دستورات دین باشد، اراده اکثریت در قالب «رأی» متجلی شده و محقق‌کننده حاکمیت الهی می‌شود.

اگرچه برخی پژوهش‌های پراکنده و بعضاً مستقل در خصوص نظام انتخاباتی ایالات متحده آمریکا انجام شده است اما تاکنون بررسی ماهیت و آثار «حق رأی» و جنبه‌های حق و تکلیفی آن به صورت مستقل و به شکل تطبیقی میان نظام‌های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا انجام نشده است.

در فصل اول این کتاب با بررسی چارچوب‌های نظری تحقیق و تعریف مفاهیم کلیدی مورد استفاده در آن، معنای مستنبط از اصلاحات و عناوین روشن شده و مفاهیم مشابه و مرتبط با عنوان کتاب، مورد تشریح و تحلیل قرار گرفته است تا وجوه اشتراک و افتراق و نسبت آن‌ها با یکدیگر آشکار شود.

در فصل دوم کتاب به بررسی تطبیقی دیدگاه‌های دو نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا در زمینه «حق رأی» پرداخته شده است چراکه عمده تفاوت‌های رویکرد دو نظام به این موضوع به تفاوت دیدگاه در خصوص منشأ و خاستگاه رأی بازمی‌گردد. در این فصل تلاش شده تا بر اساس مستندات قانونی در هریک از این دو نظام حقوقی، ماهیت رأی استخراج گردد.

آخرین فصل از کتاب به بررسی آثار «حق رأی» در این دو نظام اختصاص یافته است. طبیعتاً برخی از آثار «حق رأی» در این دو نظام مشترک و برخی

دیگر اختصاصی است که بررسی دقیق آن‌ها در هر دو نظام حقوقی، مستلزم تحلیل در بستر مبنای اندیشه‌ای آن‌هاست.

توکل حبیب‌زاده و محمد سلیمانی

(تهران - تیرماه ۱۳۹۴)

پی‌نوشت‌ها

1. Abbe Sieyes.

۲. «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى الرِّسَالَةِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا».